

حسن ابراہیم زادہ



رضا خان و تمدن بلواری

تجدید از جمله واژه‌هایی است که در سوره آخر آورده شده است. این واژه در سوره‌های دیگر نیز آمده است. در سوره بقره (۱۶۲) آمده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجَ بِهِ أَشْجَارًا مُتَنَادِلَةً» (و از آیات او آنست که از آسمان آبی نازل کند تا با آن درختانی را بیرون آورد که در هم فاصله دارند). در سوره اعراف (۱۳۰) آمده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجَ بِهِ أَشْجَارًا مُتَنَادِلَةً» (و از آیات او آنست که از آسمان آبی نازل کند تا با آن درختانی را بیرون آورد که در هم فاصله دارند). در سوره اعراف (۱۳۰) آمده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجَ بِهِ أَشْجَارًا مُتَنَادِلَةً» (و از آیات او آنست که از آسمان آبی نازل کند تا با آن درختانی را بیرون آورد که در هم فاصله دارند).

تصاویر و نقاشی‌ها را در کنار دیوارها و سقف‌ها نصب کرده و به آن‌ها نگاه می‌کرد. او می‌دانست که این کار به او کمک می‌کند تا به یاد داشته باشد که او کی و کجا بوده و چه کارهایی کرده است. او می‌دانست که این کار به او کمک می‌کند تا به یاد داشته باشد که او کی و کجا بوده و چه کارهایی کرده است.

مجلس شورای ملی، ۱۳۳۱ خ. در کتاب مشهور «خطرات و خطری» خود، رویکرد رضا خان و تیم همدایت کننده وی را به مثابه همدلی و دوگرایی می‌داند، و معتقد است که استقلال سینه به سینه را در آن زمان باید با تکیه بر نیروی مردم و باور به خاستگاه استوار بازگشت به دوره قبل از بازی با قدرت شاه سده، می‌توانست به دست یابد.

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

۱. خطرات و خطرات، مهدی قلی خان هدایت، ص ۴۹۳.

تمدن از جمله واژه‌هایی است که در سده اخیر در ایران، همواره دستاویز افرادی قرار گرفته است که با این واژه در صدد محارزه‌های ملی و دینی و تزریق تفکر تسلیم‌پذیری در برابر فرهنگ بیگانگان برآمده‌اند.

این افراد همواره به بهانه عقب ماندگی و دور نماندن از معادلات و فرهنگ جهانی و با شعارهای فریبنده نه تنها ایران زمین را به سر منزل تمدن رهنمون نساختند بلکه در عمل هموارکننده مروجان فساد و فحشا و تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی و پایه‌گذاران شکاف طبقاتی و فرهنگ سرمایه‌سالاری جهانی و زمینه‌ساز وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی بوده‌اند.

رضا خان با شعار «دور نبودن از تمدن» و محمد رضا با شعار «گشودن دروازه‌های تمدن»، از جمله کسانی بودند که سوء استفاده فراوانی از این واژه‌ها کردند.

از آن زمان که رضا خان و تیم هدایت‌کننده وی بازی با تمدن را در راستای نابودی سنت‌های دینی و ملی آغاز کرد و در صدد برآمد تا فرهنگ و باورهای دینی و ملی را در معاملات جهانی کم رنگ و بی رنگ و سرانجام نابود سازد، نه تنها حوزه‌های علمی و دین‌مداران بلکه برخی از رجال سیاسی دربار رضاخان نیز از عواقب دهشتناک این کار رضا خان لب به شکوه گشودند.

یکی از این افراد مهدی قلی خان هدایت، مشهور به مخبر السلطنه، بود؛ فردی که نه تنها غرب و مظاهر غربی را از نزدیک مشاهده کرده بود، بلکه در طول تاریخ زندگی خود مناصب مهم دولتی مهمی عهده دار بود. وی که مأمور تدوین قانون اولین انتخابات مجلس و انتخابات دور نخست قانون‌گذاری بود و در اولین کابینه قانونی ایران به وزارت معارف منصوب شده بود، علاوه بر حکومت فارس و آذربایجان از سال ۱۳۰۶ شمسی تا سال ۱۳۱۲ در ایام حکومت رضا خانی مأمور تشکیل کابینه بود.

مهدی قلی خان هدایت در کتاب مشهور «خاطرات و خطرات» خود، رویکرد رضا خان و تیم هدایت‌کننده وی را به مقوله تمدن؛ رویکردی بولوری، مبتذل و استقلال‌ستیز به تحلیل می‌گذارد و با بیان نتایج تخریبی تمدن بولوری برای فرهنگ، سیاست و انتقاد ایران با تکیه بر «العود احمد» خواستار بازگشت به دوره قبل از بازی با تمدن رضا شاه شده، می‌نویسد:

«تمدن و تربیت در مشرق سابقه دارد. در مغرب در اکتشافات علمی و صنعتی پیش افتادند. در اخلاق هنوز به مقام مشرقیان نرسیده‌اند بلکه در مائه اخیر که مذهب اهل حل و عقد ماتریالیسم شد عقب رفتند. تمدن بولوری بر تمدن لابراتواری غلبه کرد و آن تمدن ناچیز به ما سرایت.

تمدن را به صورت گرفتیم. کلاً همان را عوض کردیم که رنگ تمدن به خود بدهیم در حوزه خواص ملیت ما از دست رفت. در مقابل، هنرهای لابراتواری بی سیم، رادیو و هواپیما مستسیح شدیم، رقص، قمار، شرب، تظاهر به فواحش را ترقی دانستیم. افکار بی پای ماتریالیسم را به خود راه دادیم که امروز از بیداد آن همه جا غوغا پیا است و فریاد بلند.

دور سر خود چرخ می‌زنیم و نمی‌دانیم چه کنیم. یکی از مراحل رسیدن به راه عاقبت برگشتن از این راه غوایت است که العود احمد و ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم.^(۱)

مهدی قلی خان هدایت واژه‌هایی چون «آزادی» و «مساوات» را واژه‌هایی غلط

انداز و دروغ به تحلیل می‌گذارد که تیم هدایت‌کننده بازی تمدن با استفاده از آنها کمر به نابودی تمدن ایرانی و اسلامی بسته‌اند، مهدی قلی خان هدایت تزریق تفکر یأس و ناتوانی به باور ایرانی را از شیوه‌های روانشناختی بازیگران تمدن بازی برای به زانو در آوردن ایران در مقابل فرهنگ غرب به شمار می‌آورد و می‌نویسد:

«حکایت ما حکایت آن مکتب دار شد که شاگردان روی مواعده گفتند، جناب میرزا خدا بد ندهد مگر کسالت دارید؟

امر بر جناب میرزا مشتبه شد، برخاست و از پی معالجه رفت، مرض را در ذهن ما تزریق کردند و مشتبه شده‌ایم تا رفع اشتباه نکنیم، صحت نخواهیم یافت. مرض در ممالک سایره، آزادی و مساوات دروغی است در ولایت ما تعقیب تمدن و ترقی بولوری و تکلفات مضر.»^(۲)

مهدی قلی خان هدایت از نمایندگان مجلس وقت به عنوان یکی از تیم‌های هدایت‌کنندگان و حمایت‌کنندگان بازی تمدن رضاخان یاد می‌کند و از نطق‌های آنان به «سخنان سخیف» و از افکار آنان به «افکار کثیف» درباره مقوله «آزادی» یاد می‌کند که با بر زبان آوردن این واژه، راه را بر تقلید از تمدن بولوری و تفنن در بی‌عاری هموار می‌سازند.

مهدی قلی خان از شکل‌گیری دموکراسی دروغین، شکاف طبقاتی در بین مردم، رویکرد مردم به تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی و اشاعه فحشاء و به عنوان دست آوردهای تمدن بولوری یاد می‌کند و با تکیه بر «العود احمد» نجات را در گریز از بازی تمدن می‌داند:

«عنوان مجلس که پیدا شد، سخن‌های سخیف و افکار کثیف در عنوان آزادی بی‌پیکر بر سر زبان‌ها افتاد. به تقلید تمدن بولوری و تفنن در بی‌عاری، رشته زندگی ساده خودمان از دست رفت و پا به دایره تجدد گذاردیم، آن دموکراسی حقیقی فراموش شد و فساد اخلاق بالا گرفت، درب خانه‌ها بسته شد، علاقه‌ها گسسته، شکایات پیوسته، روز به روز بر تکلفات زندگی افزود و از تعیشت عمومی کاست، بین طبقات افتراق افتاد و از هر طرف تزریق نفاق شد، کارخانه اگر داشتیم بازار ارسی دوزها بود باز هم العود احمد.»^(۳)

مهدی قلی خان هدایت از نصیحت خود به رضا شاه و بیان تفاوت‌های تمدن بولوری با تمدن لابراتواری اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد تمدنی که رضا خان و حامیان وی بوجود آوردند، همان تمدنی بود که تنها به درد لاله زار و افراد بی‌بند و بار جامعه مفید فایده شد.

«روزی به شاه عرض کردم تمدنی که آوازه‌اش عالم گیر است، دو تمدن است؛ یکی تظاهرات در بولوارها، یکی تمدن ناشی از لابراتوارها؛ تمدنی که مفید است و قابل تقلید، تمدن ناشی از لابراتوارها و کتابخانه‌ها است. گمان کردم به این عرض من توجهی فرموده‌اند، آثاری که بیش تر ظاهر شد، تمدن بولوارها بود که به کار لاله زار می‌خورد و مردم بی‌بند و بار خواستار آن بودند.»^(۴)

..... پی نوشت:

۱. خاطرات و خطرات، مهدی قلی خان هدایت، ص ۴۹۲، (فخرالسلطنه)

۲. همان مدرک، ص ۴۹۳.

۳. همان، ص ۴۹۳.

۴. همان، ص ۳۸۳.